ضمیمه روزنامه خراسان
ZENDEGI-SALAM
•چهارشنبه•۹خرداد۱۳۹۷•شماره۱۰۵۵

حدیث روز

پیامبر اکرم(ص): خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید روزه برای من است و من پاداش آن را می‌دهم.
من لا یحضره الفقیه

ذکر روز چهارشنبه
صد مرتبه «یا حی یا قیوم»

در محضر بزرگان

رمضان آغاز سال خودسازی است

حجت‌الاسلام رفیعی می‌فرمایند: ماه رمضان، آغاز سال تربیتی است. ما سال‌های مختلفی داریم، سال شمسی، قمری، میلادی و سال خُمسی. این که بر اساس روایات داریم ماه رمضان آغاز سال است، شاید منظور این است که اول سال تربیتی است، اول سال خودسازی است، اول سال اصلاح و اول سال ترقی است. همان گونه که طبیعت در بهار تازه می‌شود، همان گونه که دارایی انسان در آغاز سال خمسی پاک و تطهیر می‌شود، این که ماه رمضان را اول سال گفته‌اند، اول سال روح است، چون روح انسان پاک می‌شود. رمضان باز شدن در دانشگاه خودسازی است. در این دانشگاه که همه دانشجویش هستند، حالا یکی واحد بیشتری می‌گیرد، واحد خودسازی، اصلاح و آمرزش، و یکی واحد کمتری می‌گیرد. یکی در این دانشگاه به مراتب عالی ارتقا پیدا می‌کند. ماه مبارک رمضان، ماه گسترش سفره است؛ آن هم چه سفره‌ای! رسول خدا(ص) فرمودند: «تا کنون این سفره را نه کسی دیده، نه کسی شنیده و نه به قلب کسی خطور کرده است.»

بریده کتاب

تو تنها نخواهی ماند

این هراس پنهان که دوست داشتنی نیستیم ما را تنها نگه می‌دارد. اما فقط به دلیل این تنهایی فکر می‌کنیم دوست داشتنی نیستیم. یک روز، روزی که زمانش را نمی‌دانی، از جاده‌ای گذر خواهی کرد. یک روز، روزی که زمانش را نمی‌دانی، او را آن جا خواهی یافت. برای اولین بار در زندگی‌ات طعم عشق را خواهی چشید؛ چون برای اولین بار در زندگی‌ات، حقیقتا تنها نخواهی بود. تو انتخاب شده‌ای تا تنها نباشی.
برگرفته از «زندگی داستانی/ ای جی فیکری» اثر گابریل زوین

غلط ننویسیم

زرع یا ذرع

این دو کلمه را نباید با هم اشتباه کرد. «زرع» به معنای کاشتن و کشت است و بازراعت و زارع و مزروع از یک خانواده است. اما «ذرع» یکی از مقیاس‌های قدیمی برای اندازه‌گیری طول بوده و معادل ۱۰۴ سانتی متر است. از این کلمه امروزه بیشتر در حرفه فرش و قالی استفاده می‌شود.
برگرفته از «غلط ننویسیم» اثر ابوالحسن نجفی

اندکی صبر

خسته

مهنازا...وردی میگونی

نچین بالم را
چون خیال پرواز ندارم
خسته‌ام
خسته‌تر از قاصدکی که باد را بلد نیست
مرا از مشایعت بهار معذور بدار
چون که می‌خواهم
در فراسوی ذهن خود
تابستانه‌ای رنگین‌تر بسازم

دنیا به روایت تصویر

تلگراف| قایق سواری در کوچه‌های آب گرفته، سومالی

گتی ایمیج| ساخت چشم شیشه‌ای در کارگاهی در آلمان

رویترز| اجرای موسیقی در ارتفاعات کوهستان، چین

فتوشعر

نیم دقیقه‌ای

پاسخ قانع کننده

معلم بعد از یک ساعت درس دادن سر کلاس، برای این که ببیند دانش‌آموزان چقدر حواس‌شان به درس بوده از شان پرسید: «خب بچه‌ها حالا به نظرتون چرا دلفین‌ها در آب‌های شور شنا می‌کنن؟»
همه دانش‌آموزان به یکدیگر نگاه کردند. سرانجام یکی دستش را بلند کرد و گفت: «چون تو آب شیرین دست و بال شون به هم می‌چسبه و آب تند هم باعث میشه اون‌ها عطسه کنند!»
ترجمه و تصویرسازی: فرنگیس مرادی، سعید مرادی

نیاز طنزی‌ها

تاپخند

*نصف عمرم صرف این میشه که قشنگ‌ترین قسمت خونه رو پیدا کنم تا یه عکس عادی از خودم بگیرم و بذارم اینستاگرام!
*کاش خانواده‌ها بفهمن ویدئوهای ارسالی از بچه‌هاشون برای تلویزیون، هیچ جذابیتی برای هیچ موجودی روی زمین نداره!
*باید یک روز بشینم پای درد دل هندزفریم، ببینم چشه، چرا این قدر به خودش می‌پیچه؟!
*من اون قدر بدشانسم که اگه تو گوگل هم غذا سرچ کنم، توش مو در میاد!
*از اتفاقات عجیب خونه ما در ماه رمضان اینه که سحری‌ها غذاهای مونده افطار را می‌خوریم، افطارها هم مونده‌های سحر و این پروسه تا پایان ماه مبارک ادامه داره!
*احسان علیخانی چرا پیر نمیشه؟ لااقل یک کم شکسته شو. اگه من این برنامه رو اجرا می‌کردم از غصه دق می‌کردم. یک چروکی، موی سفیدی، چیزی!
*صبح با صدای پرنده‌ها پا میشم، عصر میام خونه هنوز دارن می‌خونن، شب موقع خواب دارن می‌خونن، کلا فقط می‌خونن! حالا ما هیچی، خودشون فک‌شون درد نمی‌گیره؟!
*خوبی شنابلد بودن اینه که نزدیک جام جهانی می‌تونی بری شمال، اون قدر تو دریای خزر دست و پا بزنی تا به بازی آخر تیم ملی کشورت برسی!
*هر کارمند به طور متوسط سه بار در روز صحنه تقدیم استعفاش و خروج از شرکت رو تو ذهنش مرور می‌کنه!
*داشتم مستند جام جهانی ۱۹۵۴ رو می‌دیدم. پیراهن تیم‌های ملی اون زمان از پیراهن تیم ملی ما تو این دوره مدرن‌تر بود!
*کی روش گفته بعد از جام جهانی و پس از هفت سال از تیم ملی میره... هیچی دیگه، مشخصه آخرش ما می مونیم و مهدی رجب‌زاده!

دور دنیا

پیرترین زن باردار دنیا

آدیتی سنترال- یک زن ۷۱ ساله مکزیکی با ارائه سونوگرافی‌های مکرر از چندین مرکز درمانی ثابت کرده است که پیرترین زن باردار دنیاست و ۳ ماه دیگر دخترش به دنیا می‌آید! این زن که اصلا فکرش را نمی‌کرد باردار باشد، با مراجعه به پزشک، همه را شوکه کرد. پزشکان برای این که مطمئن شوند او در این سن باردار شده است، چندین آزمایش مختلف گرفتند که نتیجه همه آزمایش‌ها نشان از بارداری او داشت.

صندلی ضد فرار!

تاکسل- به تازگی طراح معروفی، صندلی جدیدی طراحی کرده که بیشتر شبیه جوک است! این صندلی که به صندلی فرار معروف شده است، طوری طراحی شده که وقتی کسی درون آن می‌نشیند نمی‌تواند به راحتی از دست آن خلاص شود! دقیقا کاربرد این صندلی مشخص نیست ولی شاید بتوان از آن برای نگه داشتن کودکان هنگام غذا خوردن و بزرگسالان پای برنامه‌های تلویزیون استفاده کرد!

کوتاه‌ترین ازدواج دنیا

آدیتی سنترال- کوتاه‌ترین مدت زندگی مشترک دنیا فقط ۱۵ دقیقه دوام داشت! پایان یک ازدواج ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد، ولی این ازدواج خاص فقط به دلیل پول شروع و تمام شد! عروس و داماد اهل دبی طبق توافقی که داماد با پدر عروس کرده بود، ۱۵ دقیقه بعد از ازدواج از هم جدا شدند و داماد حدود ۲۸ هزار دلار به پدر عروس به عنوان مهریه پرداخت. طبق توافق دو طرف، نصف این مبلغ هنگام امضای عقدنامه و نصف دیگرش هنگام طلاق و خروج از محضر پرداخت شد!

آزمون هوش

گرفتنیِ در رونده!

اون چیه که بدون لمس کردن و کمک گرفتن از دست، پا، دندان، طناب، گیره، سوزن، میخ طویله، چسب قطره‌ای، قفس، چار دیواری و... می‌تونیم نگهش داریم؟!

تفأل

نفس برآمد و کام از تو بر نمی‌آید — فغان که بخت من از خواب در نمی‌آید
صبا به چشم من انداخت خاکی از کویش — که آب زندگی ام در نظر نمی‌آید

از اون لحاظ

قرار نبود رویمان به هم باز شود!

محمدامین فرشادمهر|طنزپرداز

چند وقت اخیر شاهد تغییراتی در بحث فضای مجازی و پیام‌رسان‌ها بودیم. کاری به این که چه درست است و چه نه، ندارم. مسئله‌ای که با آن مشکل دارم این است که همچنان فضای مجازی بخش زیادی از زمان ما را می‌گیرد و از کار و روابط خانوادگی‌مان نیز دور می‌کند. اتفاقا دیشب به اتفاق خاله‌ها و دایی‌ها مهمان خانه پدربزرگ بودیم. همه به شکل عجیب و وحشتناکی سرشان در گوشی‌های‌شان بود. یعنی اگر صحنه معاشرت‌شان را از قاب تلویزیون می‌دیدم مطمئن بودم که در آن فیلم آدم فضایی‌ها حمله کرده‌اند و به شکلی مصنوعی سعی در شبیه‌سازی رفتار ما دارند. مثلا سر میز شام، دایی بزرگم که سرش مثل بقیه فامیل در گوشی بود، قاشق پلو را بالا می‌آورد و به جای دهان از کنار گردنش رد می‌کرد و پشت سرش می‌ریخت. در آن بین تنها فردی که گردنی برافراشته داشت، پدربزرگم بود که من را مخاطب قرار داده بود و به دلیل فراگیر شدن فضای مجازی و تعدد پیام‌رسان‌ها و دور شدن اعضای خانواده از هم غر می‌زد.
چیزی که توجه من را به خود جلب کرده بود، حرکات سریع شَست پدربزرگ روی صفحه گوشی‌اش بود که آدم را یاد آخرین مبارزه بروسلی با چشمانی بسته می‌انداخت. از طرفی هم دیلینگ دیلینگ گوشی خودم اعصابم را به هم ریخته بود و جرئت این که چشم‌هایم را از چشم‌های پدربزرگم به سمت صفحه گوشی‌ام بیندازم هم نداشتم. یک ساعت به همین منوال گذشت تا این که پدربزرگم بلند شد و به سمت دستشویی رفت. از فرصت استفاده کردم و گوشی‌ام را چک کردم. باور کردنی نبود. پدربزرگ از چندین پیام‌رسان مختلف به من پیام داده بود. از یکی جوک فرستاده بود؛ از یکی دیگر چند گیف خنده‌دار. از یکی نیز پیام داده بود: «دقت کن شوهر خاله‌ات یه ساعته همه میوه‌ها رو با پشت چاقو می‌بُره :)))» خواستم آخرین پیامش را باز کنم که شماره پدربزرگ روی گوشی‌ام افتاد. با تردید جواب دادم: «جانم، کجایی شما؟» پدربزرگ گفت: «هیس تا بلونکن، تو دستشویی‌ام.» گفتم: «در خدمتم مهندس فتاحی بفرمایید.» گفت: «مهندس فتاحی بابات، پیام آخریت رو چک کردی؟» گفتم: «نه چی شده؟!» گفت: «یه ساعته می‌خوام یه چیزی ازت بخوام نمی‌شه.» گفتم: «جانم بفرمایید.» صدایش را آهسته‌تر کرد و گفت: «فیلترشکن جدید چی داری؟!»
به هر حال این وضعیت زندگی من در خانه و خانواده است؛ فارغ از تغییرات اخیر، قرار نبود رویمان به هم باز شود!

پاسخ آزمون هوش

ؤ‌ؤ‌ؤ‌